

اسناد فاش نشده‌ای از قیام خونین پانزده خرداد ۴۲

متن کامل مذاکرات هیأت دولت طاغوت

در پانزده خرداد ۴۲

امام خمینی: «خودشان هم گفتند که بازده خرداد ننگ بود. لیکن نکته را نگفتند. من نکته را می گویم: ننگ بود چون مسلسلها را، تانکها را، توپها را، و تفنگها را از مال این ملت فقیر بدست آوردند و بروی این ملت فقیر بستند»
«از سخنان امام در دوم ذیحجه ۱۳۸۳ قمری»

بسمه تعالی

شماره: سرانجام، همانگونه که برادر موسوی نخست وزیر در سخنرانی قبل از خطبه نماز جمعه قزوین اشاره کرده بودند، متن کامل مذاکرات هیأت دولت رژیم طاغوت در پانزده خرداد ۱۳۴۲ به همراه گزیده هایی از سه صورت جلسه مورخ ۱۸ و ۲۰ و ۲۹ خرداد ۴۲، توسط دفتر هیأت دولت و روابط عمومی نخست وزیری بصورت یک مجموعه انتشار یافت. آنچه در زیر میآید، شامل متن کامل مطالب این دفتر است که بترتیب از موضوعات زیر تشکیل شده است:

الف: مقدمه دفتر هیأت دولت و روابط عمومی نخست وزیری جمهوری اسلامی ایران
ب: متن کامل مذاکرات هیأت دولت طاغوت در پانزده خرداد ۱۳۴۲
ج: بخشی از مذاکرات هیأت دولت طاغوت در ۱۸ خرداد ۱۳۴۲
د: بخشی از مذاکرات هیأت دولت طاغوت در ۲۰ خرداد ۱۳۴۲
ه: بخشی از مذاکرات هیأت دولت طاغوت در ۲۹ خرداد ۱۳۴۲

مقدمه

مطالبی که در این مجموعه جمع آمده بخشی از اسناد مربوط به آغاز انقلاب اسلامی ایران و نهضت عظیم پانزده خرداد ۴۲ به رهبری حضرت امام خمینی است که برای نخستین بار آقای میرحسین موسوی نخست وزیر ضمن سخنرانی قبل از خطبه نماز جمعه قزوین بدان اشاره ای کردند و اکنون توسط روابط عمومی نخست وزیری انتشار می یابد. در این ایام که سالگشت آن نهضت بزرگ است، طبع و انتشار این اسناد میتواند فرصت خوبی برای تاملی عمیق تر در حقیقت انقلاب اسلامی ما باشد.



روحانیت اصیل شیعی گذشته است و امروز در پنجمین بهار انقلاب اسلامی هستی، کشتی انقلاب هنوز در کشتی توفانهای است که ابرقهرهای جهانی از شرق و غرب عالم برانگیخته اند. اما هرچه بر ما رفته، باز بر سر ایمان خود ایستاده ایم و هیچ حادثه ای، توطئه ای، هجومی و هیچ مصیبت و مرگ و غارتی را توانائی آن نبوده است که قدم های این قوم زنده به «روح الله» را بلرزاند و در بنای ایمانش خلل افکند. بلکه خلل در ایوانهای به افلاک کشیده استکبار جهانی افتاده است و این مطلبی نیست که در بوق و کرنای مسائل ارتباط جمعی وابسته به استکبار گویند، یا حتی بتواند مسخ گردد. اگر روزی حدیث تجدید حیات اسلام و تأسیس حکومت الهی در عصر ما، چرایی بود افروخته در گوشه دور افتاده ای از ظلمت کجای جهان پرتوهای استکبار، امروز این چراغ بدل به آفتابی گشته است که ابرهای روی و رویای تبلیغات جهانی، حجاب آن نمیتواند شد و اگر روزی پندار شکافتن سقف فلک استکبار و طرحی نو در انداختن پنداری محال، مینماید، امروز به مدد انقلاب اسلامی، چنان خطی در بنای رفیع امپریالیسم افشاده و آتشی چنان خرم پندارهای پراکنده کفر جهانی را سوخته است که سازه های تبلیغاتی وابسته جهانی هم ناساز گشته و در نغمه های بدستور خویش در اضطراب افتاده اند و این قول امام بحقیقت خلاصه همه چیزهایی است که در باب مقام انقلاب اسلامی در تاریخ معاصر میتوان گفت: «ملت ما، تاریخ را تاریخ دیگری کرده و پانزده خرداد ۴۲ آغاز این «تاریخ دیگر» است که تاریخ تجدید حیات اسلام در جهان تحت سیطره کفر جهانی باشد.



در باب پانزده خرداد، حاجت به تفصیل نیست، گذشته از آن که کتابها، مقالات و تحلیل های بسیاری در این زمینه در دست است، قاصد بیست سال هم آنچنان فایده ای نیست که پیوندم را با آن به مکتوبات و اسناد محدود کند. آنچه در این مقدمه مختصر، قصد ورود به آن را داریم، رسیدگی به گفته های اولیاء طاغوت ضمن جلسه هیأت دولت در پانزده خرداد ۴۲ است. البته باید توجه داشت که سخن، سخن خصم است و مجلسی، مجلسی روی و ریا و تزویر و دروغ، بنا براین باید نقاب از سیمای گفتار کنار زد و ناگفته ها را دریافت. وقتی خصم میگوید نهضت پانزده خرداد با پول خارجی و کمکهای مالی عراق و مصر قوام یافته است و حال آنکه چهارده روز بعد در جلسه مورخ ۲۲/۳/۴۲ هیأت دولت، از زبان وزیر امور خارجه وقت بیان میشود که «... اما باید بدانیم این ایام دولت عراق اعلامیه های علماء را نگذاشت منتشر کند، دولت عراق گفته است ما با دولت ایران دوست هستیم»

پیداست که مقصود، پندار کردن نهضت با توسل به هر کذب و دروغ و تهمتی است و برای امت بیدار اسلام که ابتدائاً برای طرد بیگانه و تحصیل استقلال قیام کرده است چه تهمتی سنگین تر از این نیست؟

به تحلیل گفته ها نیست، کالیفت به خود صورتحال را رجوع کنیم، خصوصاً آنجا که صریحاً گفته شده «باید ژست تأثر آمیزی برای کشندگان گشته بشود یا آنجا که اولیاء طاغوت هراس خودشان را از «اعتصاب» و «تعطیل عمومی» ابراز میدارند و پیداست که طرح مسائلی از قبیل «پرداخت خسارت»، رشوه ای برای تأمین رضایت عمومی و ممانعت از وسعت و گسترش نهضت است که البته «ان کید الشیطان کان ضعیفاً»

میاحت هیأت وزیران دولت طاغوت را میتوان ذیل پنج عنوان مختصر کرد:

۱- ما لا کتم تعلمون (سوره صافات) آیات ۳۵ تا ۳۹) «آنگاه که به ایشان گفته میشد، خدائی بجز الله نیست، کبر میورزیدند - و میگفتند: آیا ما خدایان خویش را از بهر شاعری دیوانه رها کنیم - بلکه (او) بحق آمد و رسولان را تصدیق کرد - همانا شما نباید چشندگان عذاب بردنک - و جز این بنیید مگر به آنچه میکردید»

۲- مقصد و مرام نهضت در نظر دولت طاغوت
در این باره دو نظر گرفته اند: «ارتجاع» و «کمونیسم». در باب ارتجاع سخن حضرت امام در عین سادگی، سخنی تمام است که فرمود: «اگر مبارزه با امریکا ارتجاع است، ما مرتجعیم» و بحث در باره وصله کمونیسم هم که امروز با دستگیری و اقرار جاسوسان شوروی در ایران اطلاله کلام خواهد بود. اما میتوان پرسید که چرا خصم هر نامی بر ما می نهد جز نام اسلام؟ چرا نهضتی که رهبر آن سوز یک عالم اسلامی و یک روحانی شیعی نیست و در همه عمر جز جدای اعتدالی دین و حکومت اسلامی نداشته است و مردمی که سلاخی جز «الله اکبر» ندارند، باید به هر چه جز «اسلام» متمم شوند؟ اینجاست که میتوان به مقام و اهمیت تزویر و نفاق و دروغ در بنای جهان کفرالود استکبار واقف شد و انقلاب ما چه خوش آیه ای بود در رسوا کردن و هن و سستی خانه های عنکبوتی امپریالیسم، آری اهمیت و تأثیر اندیشه یک انقلاب بزرگتر است از حادثه ای که برای تحقق آن برپا میشود. قیام را شاید بشود سرکوب کرد، اما حقیقت را باید در حجاب دروغ نهان داشت، چون جوب و چماق به آن کارگر نیست و بدین دلیل است که غرب و شرق بیشتر از سلاحهای مخوف و هول انگیز، از وسائل ارتباط جمعی برای تحقق مقاصد شوم خویش بهره میکبرند.

۳- نظر رژیم راجع به نحوه عمل و میدان وسعت نهضت
در باب این موضوع تا آنجا که به تحلیل اوضاع مربوط است، حادثه را کوچک گرفته اند و ارتعاشی از قبیل «چند نفر» و «دو هزار نفر» و غیره ارائه شده است، اما آنجا که قضیه با نحوه سرکوبی قیام مردم ارتباط پیدا میکند «اعظمت حادثه» سخن میگویند و اینکه «هنوز هستند»، با آنکه از صبح عدای کشنده هستند؛ «اینکه «با تشکیلات قوی وضع بسیار متودیک» عمل کرده اند.

۴- نحوه مقابله دولت طاغوت
این مطلب در گفته های اولیاء طاغوت صریح است: «شدت عمل»، «کشتار»، «حکومت نظامی»، «تمهین جایزه برای قاتلان باسطلام آنها اشرار» و در اینجا میتوان پرسشی را با توجه به عنوان سوم طرح کرد. و آن اینکه اگر نهضت محدود به «دو هزار نفر» و «چند صد نفر» است که نیازی به حکومت نظامی و «آخرین تیر ترکش» - بقول نخست وزیر وقت - نخواهد بود. آخرین تیر ترکش معمولاً در آخرین نفس پرتاب میشود.

۵- رابطه مردم با نهضت و دولت در گفتگوهای اولیاء طاغوت
البته کرازا از حمایت مردم از دولت سخن بهمان میآید، ولی در عین حال، بر سر نحوه مقابله با ناراضیاتی ها و جلب حمایت مردم سخن هاست. معلوم نیست مردم حامی دولت چه نیازی به طرح و کمسیون و نقشه برای جلب حمایت دارند؟ و چگونه بدون حمایت مردم «چندصد نفر» توانسته اند زیربنای اجتماع ایران را بکلی برهم بزنند؟ راستی خاطر در کجاست که وزیر اقتصاد میگوید: «نمیتوان همیشه با سربزه و زور اداره کرده و بهتر است دولت سرکمیسیونی تشکیل بدهد و آن طبقه ای را که باید جامعه ایرانی روی آن، بایستد، آن طبقه را تقویت کنیم و الا اگر اینطور برویم با خطر واقعی روبرو میشویم»؛ و این سخن در تفسیر مقصود رژیم طاغوت از تقسیم اراضی و انقلاب سفید، سخن صریحی است. امروز این وزیر اقتصاد شاه است که از تقویت طبقه حامی دولت صحبت میکند و کشف ارتباط این طبقه را با «اصلاحات ارضی» و «انقلاب سفید» شاهانه از زبان وزیر کشاورزی وقت بشنود: «مطلب اساسی است، ما همه اینها را از دست میدیم، کشاورزان را نگاهداریم. البته کشاورزان امروز نمیتوانند استقلال مملکت را نگاه دارند، ولی خرده مالکان را میشود».

۶- نظر رژیم راجع به رهبری نهضت
در باب حضرت امام مد ظله العالی، تنها به ذکر صفاتی که سزاوار خودشان است پرداخته اند که در متن به جای آن چند نقطه گذاشته ایم، و در اینجا ترجیح میدهم به صدق قول حضرت باری تعالی استشهد کنیم که فرمود: «انهم كانوا اذا قبل لاله الا الله يستكبرون - ویقولون انالانکاروا الیننا لئلا نلشاعر مجنون - بل لا یبالحون و صدق المرسلین - انکم لاتذوقوا العذاب الا لیم - و ماتیزجون



متن کامل مذاکرات هیأت دولت طاغوت در پانزده خرداد ۱۳۴۲

اسناد فاش نشده ای از قیام خونین پانزده خرداد

قسمت ها اکتفا شده است. خصوصاً صورت جلسه سوم که عباراتی چند است و صرفاً جهت توضیح رابطه ایران و عراق و ادعای موهم کمک مالی عراق به نهضت مذکور آمد.

در پایان آنچه بطور کلی در باب این سند میتوان گفت، این است که نسخه حاضر، نسخه زبونی این قوم و فریاد خوئی است که از دلهای نامطمئن اولیاء طاغوت برمیخیزد.

از میان سیاستهای مختلف هرکدام پیروز شد خود را به آن بپندرد، و کلام امام علی (ع) چه خوش بر قامت این طایفه راست میآید. «همج رعاع اتباع کل نافع یملون کل مع لریح، لم یضنیوا یور العلم ولم یلجوا الی وکن وئیع». مردمان دون و نادان، سگله و آمیخته از هر جنس که بر اثر هر آوازی میروند، با هر بادی جهت باد میگردد، از نور علم روشنی طلب نمیکند و به رکن و کناره محکم پناه نمی برند.

در باب این کلام امام (ع) همچنین نیکی ای را متذکر شویم و بگذریم تا جای چون و چرا برای «روشنفکران» باقی نماند که هم خویش را «روشن» میدانند و هم طالب علم! اگر امام میفرماید: «از نور علم روشنی طلب نمیکند، منظور حضرت علی (ع)، «علم ربوبی» است و «روشنی ایمان»، بقرینه صدر کلام که فرموده است: «الناس ثلاثه، فاعلم ربانی، و متعلم علی سبیل نجاه، و همج رعاع...» نه علم این قوم که «علم بنای آخر» است.

اما توضیح مختصری راجع به اسناد آنچه بدست ما رسیده و در این مجموعه جمع آمده، گفتگوهایی است که در جلسه ابراز شده است. دیگر آنکه این مجموعه مشتمل بر متن کامل صورت جلسه مورخ ۱۸ و ۲۰ و ۲۹ خرداد ۴۲ در ارتباط با نهضت امام خمینی است. صورت جلسه ۱۵ خرداد عیناً بطبع رسیده، با اینکه مختصری از آن خارج از موضوع است. تنها یک کلمه از متن حذف گردیده که توضیح مطلب پیش از این مذکور افتاد.

صورت جلسه بعدی بجهت آنکه موضوع پانزده خرداد ضمن گفتگوها بخش کوچکی از صورت جلسه بوده، به سرف نقل همان

این سند، همچنین سند رسوائی روشنفکرانی است که همه عمر با تحقیر مردم، رشته صاحبان قدرت در گردن افکنده، به هر جا خاطرخواه طاغوت، رفته اند.

«جامعه باید متکی به نیروهای بشود و الا نمیتوان همیشه با سر نیزه و زور اداره کرد. بنده استدعا می کنم که نباید فکر کرد مساله تمام شده است. بهتر است دولت سوکمیسیونی تشکیل بدهد و آن طبقه ای را که باید جامعه ایرانی روی آن بایستد، آن طبقه را تقویت کنیم و الا اگر اینطور برویم با خطر واقعی روبرو میشویم...» معتقدم هرکار باید کرد، بکنیم... مراکز اخوندی روشن گردد...»

«حکومت نظامی بشود. این آخرین تیر ترکش است...» آری اگر حکومتی همه قدرتهای دنیائی و سلاحهای مخوف را جمع آورد، قادر نخواهد بود خود از سر خوف بخرزد و نارامی و نا اطمینان، از قلب مضطرب خویش براند که تنها یادخاست که قلب را آراء میکند. «الا بذکر الله تطمنن القلوب» و تنها آنان که جز استناب باری تعالی بنهای نخواستند و به حریم ایمان آمده اند، از سرفروغ و ظفر بر خاسته اند و جز الله یاری